

## اثربخشی اجرای روش تدریس به شیوه معکوس بر مهارت‌های ارتباطی و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی

محمد سلمانی

علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مطهری زاهدان

### چکیده

هدف از مطالعه حاضر، بررسی تأثیر روش تدریس معکوس بر مهارت‌های ارتباطی و خلاقیت در دانش‌آموزان ابتدایی بوده است. روش پژوهش حاضر شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و با گروه کنترل بوده است. بدین منظور با نمونه‌گیری در دسترس دو مدرسه ابتدایی دخترانه در شهر زاهدان، انتخاب گردید و با روش تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه، قرار گرفتند؛ سپس از اجرای پرسشنامه‌های خلاقیت عابدی و آزمون تجدیدنظر شده مهارت‌های ارتباطی در گروه آزمایش، روش تدریس معکوس برای درس مطالعات اجتماعی پایه پنجم در گروه گواه، روش تدریس سنتی، اجرا گردید؛ یافته‌ها نشان دادند: روش تدریس معکوس در مقایسه با روش سنتی تأثیر معناداری بر خلاقیت و مهارت‌های ارتباطی داشته است؛ در نتیجه می‌توان گفت: روش تدریس معکوس بر مهارت‌های ارتباطی و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی پایه پنجم، اثرگذار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: روش تدریس، روش تدریس معکوس، خلاقیت، مهارت‌های ارتباطی

## مقدمه

اساس جوامع بشری از دیرباز بر پایه آموزش و پرورش، استوار بوده است و هرچه می‌گذرد، نقش آموزش و پرورش، پررنگ‌تر نیز می‌شود. زیرا تعلیم و تربیت و پرورش فراگیران که از عناصر جامعه هستند بر دوش این نهاد است (دیناروند و گلزاری، ۱۳۹۸). این از آن جهت است که: یادگیری، کلید اصلی ورود به جامعه است و هر فردی از طریق یادگیری، قادر به تولید و اندوزش دانش است (نیایی و همکاران، ۱۴۰۰). در نتیجه باید در اموری که به فراگیران، آموخته می‌شود؛ دقت نظر ویژه‌ای نمود؛ دانش‌آموزان که از سرمایه‌های اصلی هر کشوری می‌باشند؛ سال‌های زیادی از عمرشان را در مدرسه و با معلم، سپری می‌نمایند. در این وهله، آموزش و پرورش و به تبع آن، معلمان می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی صحیح و کاربرد اصول علمی مناسب، شرایط را برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، فراهم نمایند (حسینی دیزجی، ۱۴۰۱). دانش‌آموزان بر حسب موقعیت، نیازها و شایستگی‌های فردی و شخصیتی، اهداف متفاوتی از پیشرفت تحصیلی دارند که توسط الگوهای شناختی، عاطفی و رفتاری، تعیین می‌گردد. از جمله اهدافی که در فرآیند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، حائز اهمیت است؛ ارتقای مهارت‌های ارتباطی<sup>۱</sup> در فراگیران است.

ارتباط فرآیندی است که ضمن آن، شنونده از مقصود گوینده، برداشتی می‌نماید. بروکس و حیث (۲۰۱۸) بر این عقیده‌اند که از طریق ارتباط، اطلاعات، معانی و احساسات از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی، منتقل می‌گردد. منظور از مهارت‌های ارتباطی، فرآیندهای خاصی است که فرد را قادر می‌سازد به صورت شایسته، رفتار کند (هارجی و دیگسون، ۲۰۲۰). در واقع، اجتماعی شدن هر فرد، دستاورد مهارت ارتباطی اوست که قبلاً آموخته است (بولتون، ۲۰۱۸). مهارت‌های ارتباطی به آن دسته از مهارت‌های اجتماعی گفته می‌شود که شامل توانایی‌ها، دانایی‌ها و آگاهی‌های اجتماعی افراد است و موجب انجام رفتارهای هدفمند و همراه با رضایت و موفقیت می‌گردد. فراگیران با مهارت‌های ارتباطی مؤثر، توانایی خودتنظیمی هیجانی را خواهند داشت؛ در امر یادگیری، نقشی فعال‌تر دارند و مسئولیت یادگیری‌شان را به عهده می‌گیرند. بدین ترتیب، آنها قادرند از طریق فرآیندهای شناختی و فراشناختی، یادگیری خود را هدایت و کنترل نمایند (پوزیده، ۱۴۰۱). بنابراین، باید در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش، گنجانده شود.

یکی دیگر از متغیرهایی که به ویژه در عصر کنونی، توجه صاحب‌نظران را به خود، معطوف داشته، خلاقیت<sup>۲</sup> می‌باشد. فرد خلاق، کسی است که از ذهن جست‌وجوگر و آفریننده‌ای برخوردار است. فرهنگ وبستر (۱۹۵۳) خلاقیت را مترادف با اصطلاحاتی چون اکتشاف، ابداع، اختراع و نوآوری آورده و کلمه خلاقیت را به معنای به وجود آوردن، تعریف کرده است. به اعتقاد پلوسنیک (۲۰۱۸) خلاقیت، یکی از پیشبین‌های خردمندی است؛ از نظر روانشناسی، خلاقیت به معنای ذوق و تمایل برای آفرینندگی است و در همه سنین به صورت ذاتی، وجود دارد؛ لیکن با محیط اجتماعی- فرهنگی، پیوستگی مستقیمی دارد. زیرا شرایطی لازم است که این تمایل طبیعی به خودشکوفایی برسد. گانیه<sup>۳</sup> (۱۹۵۸) خلاقیت را نوعی حل مسأله<sup>۴</sup> می‌داند؛ خلاقیت، توان دیدن چیزها به شیوه جدید است؛ دیدن مسائل و مشکلاتی که ممکن است دیگران متوجه وجودشان نشوند و متعاقب با آن، ارائه راه حل‌های مؤثر و جدید را نیز در برمی‌گیرد. ویژگی مهم خلاقیت، تازگی نتایج است که در نتیجه تفکر واگرا<sup>۵</sup> میسر می‌گردد (ادلمن، ۲۰۱۱). تورنس (۲۰۰۰) خلاقیت را قدرت کنار آمدن با موقعیت‌های دشوار ذکر کرده است. فرآیند آموزش و پرورش می‌تواند از طریق آموزش و یادگیری، تفکر خلاق را پرورش دهد و افرادی با تفکر خلاق، آفریننده و مشکل‌گشا، تربیت نماید. شخص خلاق، الزاماً یک فرد باهوش و استثنائی به معنای خاص آن نیست. بلکه از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های تفکر انسان، وجه خلاقیت است (شریعت باقری و شمسایی، ۱۳۹۸).

- 1 - communication skills
- 2 - creativity
- 3 Ganie
- 4 - problem solving
- 5 - divergent thinking

خلاقیت دارای چهار مؤلفه می‌باشد: (۱) سیالی و روانی؛ که توانایی برقراری ارتباط معنادار بین اندیشه‌ها و گفتار است و افراد را قادر می‌سازد راه حل‌های متعددی برای حل یک مسأله، ارائه نمایند؛ بدین معنا که سیالی به کمیت پاسخ‌های فرد به یک مسأله برمی‌گردد. (۲) بسط؛ توانایی توجه به جزئیات در حین انجام یک فعالیت است؛ (۳) ابتکار؛ یا اصالت: توانایی تفکر به شیوه غیرمتداول است؛ (۴) انعطاف‌پذیری؛ توانایی تفکر با راه‌های مختلف برای حل مسأله جدید است؛ تفکر قابل انعطاف، الگوهای جدیدی برای اندیشیدن، طراحی می‌نماید (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

با ورود کودک به مدرسه، فرآیند اجتماعی شدن او در نظام آموزشی، آغاز می‌گردد و لذا با فراهم کردن موقعیت مناسب تدریس می‌توان شرایط رشد خلاقیت را در او فراهم نمود و این در حالی است که شرایط سنتی آموزش، نظیر فعالیت‌های معلم‌محور، تکالیف زیاد، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و انتظار از هماهنگ بودن و شبیه بودن به دیگران، موجب از بین رفتن خلاقیت می‌گردد. امروزه با تحول صنعت و تکنولوژی، نوآوری‌های اجتماعی و تغییر کتب درسی، توجه صاحب‌نظران امر تعلیم و تربیت به پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان رو به فزونی است. چنانکه مشهود است: خلاقیت تنها از وراثت تأثیر نمی‌پذیرد؛ بلکه بنا به موثعیت، قابل رشد و پرورش می‌باشد (شاپیرا و لیبرمن، ۲۰۰۹). بدین سان برای ظهور خلاقیت، لازم است معلمان ما از روش‌های نوین تدریس که خود یکی از روش‌های پرورش خلاقیت است، استفاده نماید. امروزه یکی از مباحث اصلی و چالش‌برانگیز در امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، مسأله روش تدریس است و به کارگیری روش تدریس مناسب با هر ماده درسی از اهمیت فراوانی برخوردار است و معلمی موفق در نظر گرفته می‌شود که افزون بر انتقال دانش، راه‌های استفاده از دانش را نیز مهیا نماید و این جز با روش‌های نوین تدریس میسر نمی‌گردد (احمدی، ۱۳۹۳).

مدتی است که رویکردهای آموزشی در جهان و از جمله، کشور عزیزمان ایران دچار تحولاتی شده است. فراگیران مشتاقند تا مسائل و پرسش‌های متنوعی را در محیط‌های گوناگون آموزشی، فراگیرند. روش تدریس به طور کلی به دو گروه، تقسیم می‌شود: روش تدریس فعال و روش تدریس منفعلانه. در روش نخست، دانش‌آموزان در فرآیند تدریس، نقش اساسی دارند و در روش دوم معلم. در روش فعال، نقش معلم به صورت راهنما و ناظر است. دانش‌آموز، اساس تمام فعالیت‌هاست و در جریان تدریس، نقشی کلیدی دارد (هانتلا، ۲۰۱۴). یکی از راهبردهای نوین یاددهی-یادگیری که در سالیان اخیر، مورد عنایت متخصصان آموزش و پرورش می‌باشد و از روش تدریس فعال می‌باشد، راهبرد یادگیری معکوس<sup>۱</sup> است. در این روش، معلم محتوایی که قرار است در یک جلسه به فراگیران، آموزش دهد را از قبل به آن‌ها ارائه می‌دهد و فراگیران با این محتوا از قبل به صورت چندرسانه‌ای و محتوای الکترونیکی، آشنا می‌شوند. بدین سان، کلاس درس به عنوان مکانی برای گفت‌وگو و تبادل دانسته‌ها، مبدل می‌گردد (لی، ۲۰۱۵)؛ رفع اشکال، پرسش و پاسخ و حل تمرین از جمله برنامه‌هایی است که در کلاس درس، مدنظر، قرار می‌گیرد (نیایی و همکاران، ۱۴۰۰).

در عصر کنونی با مدد جستن از فناوری اطلاعات می‌توان یادگیری را تسهیل نمود. با این روش می‌توان امکان یادگیری را برای عده بیشتری فراهم نمود. در زمان کنونی T دیگر یادگیری طوطی‌وار از طریق تکرار و تمرین، جایگاهی ندارد؛ در عوض، یادگیری عمقی و تولید دانش از طریق تحلیل، ترکیب و ارزشیابی، جای‌گزین روش‌های سنتی شده است (براندسفورد، ۲۰۰۰). کلاس معکوس از دو بخش تشکیل می‌شود: (۱) یادگیری خارج از کلاس که از طریق فناوری‌های آموزشی، انجام می‌شود؛ و (۲) یادگیری داخل کلاس که بر پایه تعامل و ارتباط می‌باشد. کلاس معکوس، یکی از راهبردهای پرترفدار و نوین آموزشی است که در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از متخصصان امر تعلیم و تربیت را برانگیخته است. روش تدریس معکوس، شکل جدیدی از کلاس‌های حضوری است (تاگر، ۲۰۱۲). در شیوه کلاس درس معکوس آموختن درس به خانه موکول شده و انجام پروژه و تکالیف در کلاس درس و به صورت پویا و گروهی، انجام می‌گیرد؛ بدین شرح، جای فرآیند تدریس در منزل و کلاس در

- 
- 1 - fluency
  - 2 - elaboration
  - 3 - initiative
  - 4 - flexibility
  - 5 - flipped learning method

مقایسه با روش‌های سنتی، تغییر نموده است و فلسفه نام‌گذاری این روش به کلاس درس معکوس نیز به این ایده برمی‌گردد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰).

راجین و همکاران<sup>۱</sup> در پژوهش خود با روش فراتحلیل به بررسی اثربخشی کلاس‌های معکوس در آموزش پرستاری پرداختند و ادعان نمودند: نمرات دانش نظری و عملی در کلاس‌هایی که از رویکرد معکوس، بهره برده‌اند؛ به طور معناداری، بالاتر از کلاس‌هایی است که در آن از روش تدریس سخنرانی، استفاده شده است (مرادی دولیسکانی و همکاران، ۱۴۰۰). نیایی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود به بررسی اثربخشی روش کلاس درس معکوس بر اضطراب ریاضی و عملکرد ریاضی دانش-آموزان پایه پنجم پرداختند و بیان داشتند: اضطراب ریاضی دانش‌آموزان کلاس معکوس، کاهش چشمگیری داشته و در مقابل، عملکرد ریاضی آنان، افزایش یافته است. ناموری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی اثربخشی کلاس معکوس در درس فیزیک و آزمایشگاه، اقدام نمودند و بدین نتیجه دست یافتند که جابجایی روند تدریس و تکلیف در این درس، موجب یادگیری ماندگارتر و فعالیت بیشتر فراگیران می‌گردد. احمدآبادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر تدریس با روش معکوس در مقایسه با روش‌های همپاری<sup>۲</sup>، کاوشگری<sup>۳</sup> و سخنرانی<sup>۴</sup> بر یادگیری علوم تجربی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی پرداختند و گزارش نمودند: روش تدریس معکوس در مقایسه با روش‌های همپاری، کاوشگری و سخنرانی از کارایی بیشتری در آموزش درس علوم برخوردار است. احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۹) در اقدام‌پژوهی خود به بررسی اثربخشی روش تدریس معکوس بر کاهش کمروبی دانش‌آموزان پرداختند و نشان دادند: این روش می‌تواند موجب کاهش کمروبی و افزایش مشارکت در دانش-آموزان گردد. بدین سان با استناد به مطالب بیان شده، هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی اجرای روش تدریس معکوس بر مهارت‌های ارتباطی و خلاقیت در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی در درس تعلیمات اجتماعی است.

### روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش شبه آزمایشی استفاده شده است؛ طرح پژوهشی مورد استفاده نیز طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان پایه پنجم بوده‌اند که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در پایه پنجم مشغول به تحصیل بودند و نمونه آماری نیز به صورت دومرحله‌ای، صورت گرفت: در مرحله اول به صورت در دسترس دو مدرسه دخترانه مقطع ابتدایی در شهر زاهدان، انتخاب شدند و در مرحله دوم به صورت تصادفی، یک کلاس به عنوان گروه کنترل و کلاس دیگر به عنوان گروه آزمایش در نظر گرفته شد. در گروه کنترل با روش سنتی، درس اجتماعی، تدریس گردید و در گروه آزمایش از روش اجرای کلاس درس معکوس، استفاده گردید. بدین ترتیب که در نیمسال دوم سال تحصیلی، روش تدریس در گروه آزمایش به روش تدریس معکوس، تغییر یافت. برای بررسی اثرگذاری این روش تدریس، قبل و بعد از اجرای تدریس، متغیرهای پژوهش، مورد اندازه‌گیری، قرار گرفتند.

### ابزار پژوهش

#### ۱) پرسشنامه تجدیدنظر شده مهارت‌های ارتباطی

این ابزار، یک پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای است که پاسخگو به تکمیل گویه‌های آن بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای می‌پردازد. ۵ خرده-مهارت گوش دادن، تنظیم عواطف، درک پیام، بینش و قاطعیت در این آزمون، مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که برخی از گویه‌ها بدلیل ماهیت و محتوایشان به صورت وارونه، نمره‌گذاری می‌شوند. روایی و پایایی این آزمون، توسط حسین چاری و فداکار (۱۳۸۴) بررسی شده است. آنان پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ محاسبه نمودند (نخعی و همکاران، ۱۴۰۱).

1 Rujin et al  
2 - cooperative  
3 - inquiry  
4 - lecture

## ۲) آزمون استاندارد خلاقیت عابدی

این آزمون در سال ۱۳۶۳ بر اساس تعریف تورنس از خلاقیت توسط جمال عابدی، ساخته شد؛ فرم کنونی این پرسش‌نامه دربرگیرنده ۶۰ سؤال سه‌گزینه‌ای است و دارای چهار مؤلفه است که عبارت‌اند از: سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری. پایایی این آزمون با روش بازآزمایی طی دو هفته در خرده‌مقیاس سیالی برابر با ۰/۸۲؛ در بخش ابتکار: ۰/۸۵؛ انعطاف‌پذیری: ۰/۸۶ و بسط: ۰/۷۶ می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل، داده‌ها به نرم‌افزار spss 24 وارد گردید و سپس از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تحلیل کوواریانس چندمتغیره) استفاده شد.

### یافته‌ها

اطلاعات جمع‌آوری شده در دو بخش جداگانه، مطرح گردید؛ ابتدا تحلیل توصیفی یافته‌ها (جدول میانگین و انحراف استاندارد) و بعد از آن، تحلیل استنباطی یافته‌ها (آزمون لون و تحلیل کوواریانس) مطرح گردید.

جدول شماره ۱: میانگین خلاقیت در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و گواه

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		خرده‌مقیاس
گروه گواه	گروه آزمایش	گروه گواه	گروه آزمایش	
۶۱/۸۷	۶۷/۵۰	۶۰/۰۱	۵۹/۴۰	سیالی
۲۳/۹۲	۲۷/۸۶	۲۳/۲۱	۲۴/۲	ابتکار
۲۱/۷۶	۲۴/۴۵	۲۳/۱	۲۲/۷۵	انعطاف
۱۸/۲۵	۲۴/۵۱	۱۷/۱۷	۱۷/۷۵	بسط
۱۲۵/۸۰	۱۴۴/۳۲	۱۲۳/۴۹	۱۲۴/۱۰	نمره کل خلاقیت

جدول شماره ۲: انحراف استاندارد خلاقیت در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و گواه

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		خرده‌مقیاس
گروه گواه	گروه آزمایش	گروه گواه	گروه آزمایش	
۱۰/۹۰	۶/۲۰	۷/۱۱	۶/۱۷	سیالی
۷/۲۹	۵/۲۷	۶/۲۵	۶/۴۹	ابتکار
۶/۹۲	۴/۲۳	۵/۱۱	۵/۸۲	انعطاف
۴/۴۴	۵/۲۸	۴/۵۴	۴/۷۵	بسط
۲۹/۵۵	۹۸/۲۰	۲۳/۰۱	۲۳/۲۳	نمره کل خلاقیت

جدول شماره ۳: میانگین و انحراف استاندارد آزمون مهارت‌های ارتباطی

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		میانگین
گروه گواه	گروه آزمایش	گروه گواه	گروه آزمایش	
۹/۶۳	۸۱	۸/۸	۶۸	میانگین
۱۲/۵۷	۶۳	۸/۴۷	۶۹/۷۶	انحراف استاندارد

برای تحلیل کوواریانس، نخست باید پیش فرض آن مورد بررسی قرار گیرد تا نرمال بودن داده‌ها و نیز پیش فرض برای همگونی واریانس‌های گروه‌ها در متغیر وابسته بررسی شود؛ بر اساس جدول ۴، نتایج آزمون لون نشان داد که:  $F$  محاسبه شده  $0/05$  در سطح  $0/157$  معنادار است. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نیز نرمال بودن توزیع متغیر وابسته را تأیید نمود؛ در نتیجه، از آنجا که پیش فرض استفاده از کوواریانس برقرار است؛ استفاده از آن در تحلیل استنباطی، بلامانع می‌باشد.

جدول شماره ۴: بررسی پیش فرض تحلیل کوواریانس

آزمون لون		آزمون کلموگروف-اسمیرنوف	
P	F	Z	P
0/157	23/1	0/431	0/832

### فرضیه اول

استفاده از روش تدریس معکوس بر خلاقیت دانش‌آموزان، مؤثر است.

جدول شماره ۵: تحلیل کوواریانس تأثیر روش تدریس معکوس بر خلاقیت دانش‌آموزان

منابع تغییر	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مقدار اتا
پیش‌آزمون	۱۲۴/۷۴۱	۱	۱۲۴/۷۴۱	۱/۹۵	۰/۰۹۱	۰/۱۰۵
بین گروه‌ها	۱۳۲۶/۲۲۶	۱	۱۳۲۶/۲۲۶	۱۶/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۳۷۴
درون گروه‌ها	۱۴۵۰/۹۶۷	۲۸	۳۱/۸۲			

جدول فوق، مربوط به آزمون کوواریانس برای مقایسه دو گروه به لحاظ پس‌آزمون، بعد از بررسی پیش‌آزمون است. نتایج حاکی از این است که: پس از تعدیل پیش‌آزمون، تفاوت معناداری بین گروه‌ها، وجود دارد. در نتیجه می‌توان بیان نمود: گروه آزمایشی در مقایسه با گروه گواه، تفاوت معناداری به لحاظ خلاقیت داشتند؛ پس روش تدریس به شیوه کلاس معکوس، تأثیر معناداری بر خلاقیت دانش‌آموزان دارد.

### فرضیه دوم

استفاده از روش تدریس معکوس بر مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان، مؤثر است.

جدول شماره ۵: تحلیل کوواریانس تأثیر روش تدریس معکوس بر مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان

منابع تغییر	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مقدار اتا
پیش‌آزمون	۱۰۹/۴۳	۱	۱۰۹/۴۳	۴/۰۵	۰/۱۹۵	۰/۰۵
بین گروه‌ها	۱۵۳۳/۷۵	۱	۱۵۳۳/۷۵	۳۷/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۴۳۵
درون گروه‌ها	۱۶۴۳/۱۸	۲۸	۵۸/۴۸			

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد: پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون و اجرای روش تدریس کلاس معکوس، تفاوت معناداری بین گروه‌ها از نظر مهارت‌های ارتباطی به وجود آمده است؛ لذا روش تدریس کلاس معکوس، تأثیر معناداری بر مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی تدریس به شیوه کلاس معکوس بر مهارت‌های ارتباطی و خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی در درس تعلیمات اجتماعی، صورت گرفت و نتایج در دو فرضیه جداگانه، مورد تحلیل، قرار گرفت. در فرضیه نخست، اثربخشی روش تدریس به شیوه معکوس بر مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان به بوته آزمایش گذاشته شد و فرضیه مزبور در سطح معناداری  $0/001$  مورد تأیید قرار گرفت.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: کلاس معکوس موجب افزایش انگیزه معلمان و دانش‌آموزان شده؛ دانش‌آموزان مهارت‌هایی همچون پرسش‌های باز و بسته، گوش دادن فعال، پرداختن به ناهمخوانی‌ها و حمایت و تشویق از سوی معلمان را تجربه می‌کنند (نیایی و همکاران، ۱۴۰۰). روش تدریس معکوس یک روش تدریس فعال و دانش‌آموزمحور است که از پروژه‌های گروهی، فعالیت‌های اکتشافی، کاوشگری و آزمایش در کلاس، بهره می‌گیرد (هانتلا، ۲۰۱۴). بدین ترتیب، کلاس، سرشار از اطلاعات غنی خواهد بود. زمانی که فراگیران در کلاس درس هستند، به فعالیت‌های حسی، اقدام می‌نمایند که در بستر یادگیری مشارکتی، انجام می‌شود (کاودیل، ۲۰۱۴). در واقع، بر اساس مطالعات صورت گرفته نتایج حاکی از آن است که مشکل کودکان در فعالیت‌های گروهی، سردرگمی است؛ بدین معنا که کودکان دوست دارند کارهای گروهی انجام دهند؛ اما نمی‌دانند چگونه باید این کار را انجام دهند (میگل، ۲۰۱۴). از طریق اجرای روش تدریس معکوس، این مشکل تا حدود زیادی، رفع می‌گردد. در فرضیه دوم، اثربخشی روش تدریس به شیوه کلاس معکوس بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار گرفت که در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأیید گردید.

در تبیین این یافته می‌توان ذکر نمود: آموزش مستقیم و به صورت سخنرانی در روش تدریس به شیوه کلاس معکوس، صورت نمی‌گیرد بلکه در خارج از کلاس و به صورت آنلاین یا غیرآنلاین انجام می‌شود. از مزایای این روش اینکه بچه‌ها در منزل، خودشان درس را می‌آموزند و راه‌های گوناگونی را برای یادگیری، امتحان می‌نمایند می‌تواند هرچندبار که لازم باشد، درس را مرور نماید؛ معلم در کلاس، نگران کمبود وقت نیست و دانش‌آموز می‌تواند یادگیری عمیق‌تری داشته باشد و به سطوح بالاتر شناختی، ناقل آید (دیناروند و گلزاری، ۱۳۹۸). بدین سان است که این روش تدریس بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان، تأثیر معناداری دارد.

#### منابع

- احمدآبادی، آ؛ زین‌آبادی، ح؛ استادرحیمی، م (۱۴۰۰). تأثیر تدریس با روش معکوس در مقایسه با روش‌های همیاری، کاوشگری و سخنرانی بر یادگیری علوم تجربی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی. فصلنامه پژوهش در تربیت معلم دوره ۴، شماره ۱، صص ۲۸-۹.
- احمدآبادی، آ؛ صفری، م؛ علیزاده امین، ح (۱۳۹۹). روش تدریس معکوس: شیوه‌ای نوین بر کاهش کمروبی در دانش‌آموزان. دانشگاه فرهنگیان، فصلنامه آموزش پژوهی، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۳۷-۴۹.
- احمدی، ا؛ رسولی، ب؛ اسلام‌پناه، م؛ احمدی، ف (۱۳۹۳). تأثیر روش تدریس 5E بر یادگیری و خلاقیت دانش‌آموزان. فصلنامه مهندسی آموزشی: تکنولوژی و طراحی آموزشی، سال ۳، شماره ۴، صص ۴۵-۶۰.
- احمدی، پ؛ صمدی، پ؛ مینایی، م (۱۳۹۷). تأثیر یادگیری مشارکتی بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان در درس جغرافیا. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۲-۱.
- پوزیده، ص (۱۴۰۱). بررسی رابطه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و مهارت‌های ارتباطی با اضطراب امتحان دانش‌آموزان مدارس قشم. پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۹(ب)، صص ۲۱۶-۱۹۰.
- حسینی دیزجی، م (۱۴۰۱). بررسی فرهنگ مدرسه با نحوه و میزان خلاقیت دانش‌آموزان. پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۹ (ب). دیناروند، ع؛ گلزاری، ز (۱۳۹۸). تأثیر روش تدریس معکوس بر نگرش حرفه‌ای و خودکارآمدی معلمان. نشریه علمی فناوری آموزشی، جلد ۱۴، شماره ۱۵۸-۱۴۸.
- شریخت باقری، م؛ شمسایی، آ (۱۳۹۸). رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش‌آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان. نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۶۲-۲۲۷.
- مرادی دولیسکانی، م؛ یونس‌پور عیسی‌لو، ز؛ مرادی، ر (۱۴۰۰). تأثیر اجرای روش کلاس معکوس بر خودکارآمدی تحصیلی و یادگیری خودراهبر دانشجویمان در درس زبان انگلیسی. مجله رتبه‌دهای آموزشی در علوم پزشکی، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱۸-۱۰.

ناموری، ا؛ جلیلیان، ب؛ فنون، ف؛ رضایی، ص (۱۳۹۷). آموزش فیزیک و آزمایشگاه به روش یادگیری معکوس. پویش در آموزش علوم پایه، دوره ۴، شماره ۳

نخعی، س؛ قادرسارانی، ر؛ روزرخ، ز؛ میر، ع (۱۴۰۱). تأثیر خواندن داستان‌های قرآنی بر روی مهارت‌های ارتباطی و هویت دینی و تاب‌آوری دانش‌آموزان. فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، دوره ۱۳، شماره ۱۷، صص ۱۷-۱. نیایی، س؛ ایمان‌زاده، ع؛ واحدی، ش (۱۴۰۰). اثربخشی تدریس معکوس بر اضطراب ریاضی و عملکرد ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم شهرستان مرند. نشریه علمی فناوری آموزش، جلد ۱۵، شماره ۳؛ صص ۴۳۰-۴۲۰.

Adelman, K. (2008). Resiliency and Creativity. *Articles from Rostered Lay Ministers*, 21 (6), 96-109

Berger, J. & Karabenick, S. (2424). Motivation and student's use of learning strategies: Evidence of unidirectional effects in mathematics classrooms. *Learning and Instruction*, 01(5), 1-16.

Caudill V (2014). Pre-Service Teachers' Perceptions of a Flipped Classroom: A Study of undergraduates Enrolled in an Applied Child Development Course [Master of Science dissertation]. Raleigh, North Carolina.

Hantla B (2014). The effects of flipping the classroom on specific aspects of critical thinking in a Christian college: a quasi- experimental, mixed-methods study [Doctoral Dissertation]. Faculty of Southeastern Baptist Theological Seminary Wake Forest, North Carolina.

Hargie, O., S. & Dickson, D. (2424). *Skilled interpersonal Communication: Research, Theory and Practice*. New York: Routledge

Lee J, Beatty S, Feng P, Hoffman N, McDermott B (2015). Traditional instruction reformed with flipped classroom techniques. University of Calgary, available on: Traditional instruction reformed with flipped classroom techniques-ARROW-high-quality.

Micgel IJ (2014). Flipping the biomedical engineering classroom: Implementation and assessment in medical electronics course . Paper presented in the 121st ASEE Annual Conference & Exposition. Indianapolis Indiana.

Plóciennik, E. (2018). Children's creativity as a manifestation and predictor of their wisdom. *Thinking Skills and Creativity*, 28, 14-20.

Tucker, B (2012). The flipped classroom. *Education Next*; 12(1): 82-83.